شرح رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)

حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمدجواد حاج علی اکبری

موضوع:

حق حج (۵)

تاریخ ۲۶/ ۰۷/ ۱۳۹٤

فهرست

■ حرکتی برای تغییر تاریخ

■ دو یادگار حسینی

۱. مناجات عرفه

۲. خطابه منا

بسم الله الرحمن الرحیم
و به نستعین

حرکتی برای تغییر تاریخ

امام حسین (علیه السلام) بعد از پیشنهاد یزید برای بیعت که تحت شرایط خاصی مسئله را مطرح کرد، تصمیم به حرکت به سمت مکه‌ی مکرمه گرفتند که به تعبیر من به نوعی پناهنده‌ی به بیت الله شدند؛ چراکه به تصریح قرآن: «وَمَن دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا؛[۱] و هر که در آن درآید در امان است». کسی که وارد این حرم مطهر می‌شود، در امان قرار می‌گیرد و دیگر نمی‌شود به او چیزی را تحمیل کرد. امام تصمیم می‌گیرند به همراه خانواده‌ی محترمشان و اهل‌بیت پیامبر به سوی مکه‌ی معظمه حرکت کنند و به این ترتیب یک فصل جدید و تازه، همراه با معانی و نکته‌های ژرفی در ارتباط با حج آغاز می‌شود. جالب است که امام حسین (علیه السلام) مثل سایر اولیای خدا دل‌داده‌ی خانه‌ی خدا و حج خانه‌ی خدا بود. در گزارش‌های تاریخی از زندگی آن حضرت، گزارش حج پیاپی داریم. این گزارش‌ها حکایت از حج پیاده درباره‌ی آن بزرگوار و برادر ارجمندشان نیز دارد. قریب به بیش از بیست حج گزارش شده که عمده‌ی این سفرها با پای پیاده بوده، در حالی که مرکب و موکب همراه حضرت بوده است. گاهی به حضرت و همچنین به امام حسن (علیه السلام) عرض می‌کردند که سواره تشریف ببرید تا خسته نشوید. اما حضرت

می‌گفتند این گونه به ادب بندگی نزدیک‌تر است. امام حسین (علیه السلام) تعلق خاطر فوق‌العاده‌ای به خانه‌ی خدا داشتند.

در این سفرهای مکرر، امام وقتی وارد مکه‌ی معظمه می‌شدند،گزارش‌ها حکایت از ارتباط‌گیری و بیان و توصیف و توضیح مسائل دینی توسط امام دارد. تا نوبت به حج اخیر می‌رسد که محل گفتگوی ما است. به نظر می‌رسد این حج نوعی پناه‌جویی به کعبه و حرم، پس از تعرض حکومت و تحمیل بیعت به حضرت به شمار می‌رود. حضرت به سوی مکه‌ی معظمه حرکت می‌کنند و فرصتی چهارماهه را در خانه‌ی خدا و حرم امن الهی به دست می‌آورند. در این مدت اتفاقات جالبی رخ می‌دهد که بخشی از آنها در کتب تاریخی نقل شده و بخشی نیز از نظر مخفی مانده است. در فرصتی که امام در مکه‌ی معظمه هستند، آنچه اتفاق افتاده، عبارت است از ارتباط‌گیری، یارگیری، آشناسازی،بیدارگری، سازمان‌دهی، بیان حقایق، ارتباط چهره‌به‌چهره و فرد به فرد، دعوت‌های تک‌به‌تک از شخصیت‌های شناخته‌شده‌ی امت اسلامی در آن روزگار. حضرت جلسه می‌گذارند و گفتگو می‌کنند و دعوت می‌کنند برای یک قیام بزرگ. در همین ایام نامه‌نگاری‌ها هم آغاز می‌شود و نامه‌های زیادی از کوفه برای حضرت فرستاده می‌شود. فرستادن سفیر نیز در متن همین سفر و اقامت در مکه‌ی معظمه است که انجام شد که چهره‌ی شناخته‌شده و سرشناس سلسله‌ی سفرا،

بلکه سفیر اعظم و برجسته و برگزیده سیدالشهدا، حضرت مسلم (علیه السلام) است که شخصیت، درایت، دانش، حکمت و شجاعت ممتازی داشت. حضرت ایشان را انتخاب می‌کنند. تا اینکه موسم حج فرا می‌رسد و به روز ترویه می‌رسد که روز هشتم ماه ذی حجه است. در این روز حجاج باید به سمت عرفات و مشعر و منا حرکت کنند تا مناسک را انجام دهند. امام آن روز متوجه می‌شوند که گروهی قصد ترور حضرت را دارند و برنامه‌ریزی شده بود که در شلوغی حج، به حضرت تعرض شود. در صورت عملی شدن این برنامه، علاوه بر اینکه جان حجت خدا در خطر قرار می‌گرفت، حرمت حرم هم شکسته می‌شد. لذا حضرت ترجیح دادند از مسیر حج خارج شوند و حج به این ترتیب نیمه‌تمام گذاشته می‌شود. البته در اصطلاح مرسوم، این‌گونه گفته می‌شود که حضرت، حج را تبدیل به عمره کردند و از موسم خارج شدند. اما بهتر و دقیق‌تر این است که گفته شود از این حج مرسوم ظاهری، امام (علیه السلام) عازم حج دیگری می‌شوند که ذیل آن بارش فیض الهی است که شستشو می‌دهد و روشن می‌کند و حرکت می‌دهد. حقیقتاً چشم امید همه‌ی ما به امام حسین (علیه السلام) است. به این ترتیب امام (علیه الصلاه و السلام) عازم آن مأموریت بزرگ و کار عظیم می‌شوند که الهام‌بخش یک حرکت تاریخی، جاودانه، انسان‌ساز، جامعه‌ساز و تمدن‌ساز است و بنیان‌گذاری یک مقطع

جدید در تاریخ بشریت محسوب می‌شود.

دو یادگار حسینی

۱. مناجات عرفه

درباره حج امام حسین (علیه السلام) دو سند موجود است که یکی عرفانی است و دیگری حماسی و جهادی. هر دو مورد جزء اسناد درجه اولی است که به حج روح و معنا و روشنایی می‌دهد و بهترین روش برای استخراج منافع حج است. یکی سندی است که در عرفات منتشر شد و دوم هم سندی است که در منا منتشر شد. اما چه بگوییم درباره سندی که در عرفات منتشر شد؟! حقیقتاً مناجات عرفه سیدالشهدا (علیه السلام) خیلی باشکوه است. آنچه در عرفات منتشر شده، در قالب دعا و مناجات است، و آنچه در منا منتشر شده، در قالب خطابه‌ی حماسی است. اگر می‌خواهید ابعاد معنوی و عرفانی و فوق‌العاده باشکوه و زیبای حادثه‌ی کربلا و قیام حسینی برای شما شناخته شود، باید به مناجات عرفه مراجعه کنید. مناجات عرفه در واقع باطن کربلا است. مناجات عرفه، پشت صحنه‌ی عاشورا است. مناجات عرفه همان مقتل به زبان دعا و مناجات و عرفان است. اگر کسی بخواهد اسرار و رموز این حرکت جاودانه برایش روشن شود، باید شخصیت محوری حادثه را در عرفات زیارت کند. بعد از این زیارت، زیارت او در عاشورا و در مقتل معنای دیگری دارد. این متن فاخر که جزء متن‌های درجه‌ی یک اسلام در موضوع دعا و مناجات

است، سراسر توحید، عرفان، عشق، دلدادگی و زیبایی است. از همان نقطه‌ی اولش حکایت‌هایی است: «اَلْحَمْدُ لله الَّذی لَیْسَ لِقَضآئِه دافِعٌ وَلا لِعَطائِه مانِعٌ وَلا کَصُنْعِه صُنْعُ صانِعٍ؛ ستایش خاص خدایی است که نیست برای قضا و حکمش جلوگیری و نه برای عطا و بخششش مانعی و نه مانند ساخته‌اش ساخته». از اوج و با زبان حمد آغاز می‌شود. گویا امام (علیه السلام) از اتفاقات بزرگی که در راه است سخن می‌گویند. البته این مناجات نورانی مربوط به حج اخیر نیست؛ چراکه در حج اخیر امام به عرفات نرسیدند. مربوط به سال‌های گذشته بوده است. راوی هم به زیبایی روایت کرده است که امام کنار جبل الرحمه ایستاد، در حالی که جمعی از عزیزانش در گرد او حلقه زده بودند. چند فراز که جلوتر می‌رود، راوی می‌گوید در حالی که از دو چشمان سیدالشهدا (علیه السلام) اشک جاری بود این جملات را گفت: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی أَخْشَاکَ کَأَنِّی أَرَاکَ وَ أَسْعِدْنِی بِتَقْوَاکَ وَ لا تُشْقِنِی بِمَعْصِیَتِکَ؛ ای خدا به من آن مقام ترس و خشیت از جلال و عظمتت را عطا کن که گویا تو را می‌بینم و مرا به تقوا و طاعتت سعادت بخش و به عصیانت شقاوتمند مگردان». مناجات عرفه‌ی سیدالشهدا (علیه السلام) خطوط اصلی منظومه‌ی فکر توحیدی را نشان می‌دهد و شما در آنجا به قرائت سیدالشهدا (علیه السلام)، با توحید و عرفان ناب اسلامی و محمدی و علوی آشنا می‌شوید که خیلی جذاب است. شما اگر

قبل از دیدن حسین (علیه السلام) در کربلا و عاشورا، حسین (علیه السلام) را در عرفات ببینید، فرازها و جلوه‌های مقتل، معنا و رنگ خاصی پیدا می‌کند. با این حال بعد از مقتل هم اگر حسین (علیه السلام) را در عرفات ببینید، معانی جدیدی از این مناجات نورانی برای شما آشکار خواهد شد. اینجا عرفان و حماسه را می‌بینید که دستشان به دست هم هست، و با یک عرفان راکد و خاموش و بی‌تحرک مواجه نیستید. عرفان ناب، یعنی عرفان زنده و حاضر در صحنه، و عارف، تاریخ‌ساز و حماسه‌ساز است. حماسه‌ای که عرفانی است، رنگ خدایی و توحیدی دارد و لحظه‌لحظه‌اش ارتباط شورانگیز با پروردگار عزیز است. در عرفان حسینی با چنین عرفانی مواجه می‌شوید که در عرفات در قالب مناجات و در عاشورا در سیمای یک قیام تجلی می‌کند. اینها دو روی یک سکه هستند. خوشبختانه در سال‌های اخیر از برکت نهضت منبعث از قیام حسینی که در جامعه‌ی ما رخ داد، مناجات عرفه شناخته شد؛ در حالی که اساساً عامه‌ی جامعه‌ی ما مناجات عرفه را نمی‌شناختند. این معرفت، جزء برکات نهضت حسینی در عصر ما است. جلوه‌ی ویژه این عرفان، متن فاخری است که حقیقتاً سند جاودانه‌ی عرفان اسلامی است و بارشی حیات‌بخش از روح مطهر سیدالشهدا (علیه السلام) است. بنابراین توصیه می‌کنم دوستان برای تماشای باطن کربلا، قبل از عاشورا، با این نگاه مناجات

عرفه را فراتر از مقتل بخوانند. با دقت خاصی و از سر درنگ به آن مراجعه کنند و بخش‌های مختلفش را ببینند. شاید بخش ویژه‌ای را به لطف الهی در روز عاشورا مراجعه کنند و برداشت‌های ویژه و عرفانی از این قیام بزرگ داشته باشند. این سند اول که در عرفات در قالب مناجات منتشر شد که سرلوحه‌ی زندگی خردمندان و عارفان و مجاهدان عارف هست و تا قیام قیامت خواهد بود. به این ترتیب حضرت یک غذای خوش‌پخت و خوش‌عطر و قوی برای همه‌ی حجاج بیت الله الحرام تا قیام قیامت مهیا کردند که هر کس به عرفات می‌رسد، با دست سیدالشهدا (علیه السلام) به مقصد رسیده است. خوش به سعادت حجاج ما که از این مائده‌ی عرشی و آسمانی و از این نازله‌ی روح حسینی در این سفر بهره‌مند هستند و در کنار جبل الرحمه، این نوای حسینی را سر می‌دهند و دل و جان خود را به سیدالشهدا می‌سپارند تا به قرب الهی ببرد. امیدواریم روزی همه‌ی حجاج بیت الله الحرام این توفیق را پیدا کنند؛ چراکه انسان دلش می‌سوزد و حسرت می‌خورد که چرا جمع عظیمی از مسلمانان از این دعای بزرگ محروم هستند. این دعا حج را معنا می‌بخشد و روح و شکوه و زیبایی می‌دهد.

۲. خطابه منا

اما سند دومی که از حضرت منتشر شده، در منا و در قالب یک خطابه است. این هم خیلی عجیب و فوق‌العاده

و دوست‌داشتنی است. طبق نقل‌های متعددی، یک سال قبل از مرگ معاویه، امام حسین (علیه السلام) به حج مشرّف شده بودند و در آن سال عده‌ی زیادی از اصحاب و تابعین در حج بودند؛ یعنی هم نسل اولی‌ها و هم نسل دومی‌ها حضور داشتند. امام (علیه السلام) همراه با خانواده‌ی خود در این سفر حضور پیدا می‌کنند و بسیاری از یاران و عزیزانشان را در این سفر همراه داشتند. وقتی که به منا می‌رسند، امام (علیه السلام) به برخی مأموریت دادند که همه‌ی اصحاب شناخته‌شده و تابعین برجسته را برای جلسه‌ای دعوت کنند. نوشته‌اند که به دعوت امام، عده‌ی زیادی از اصحاب، حدود هفتصد نفر جمع شدند. اصحاب کسانی هستند که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) را درک کردند، اما تابعین، افرادی هستند که اصحاب را درک کرده و در واقع با واسطه خدمت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) رسیده‌اند. اینها همه خدمت حضرت جمع می‌شوند. حضرت خیمه‌ای زده‌اند که هفتصد نفر را در خود جای داده است. معلوم می‌شود خیمه‌ی محوری در منا، خیمه‌ی حضرت سیدالشهدا (علیه الصلوه و السلام) بوده است. در آنجا همه محضر امام جمع می‌شوند. وقتی جمع آماده شد، حسین (علیه السلام) از جا برخاست: «فحمدَ الله و اثنی علیه» حمد و سپاس خدای متعال را به جای آورد و سپس شروع به خطبه خواندن کرد و فرمود: «فان هذه الطاغیه» منظورشان از

طاغوت، معاویه و دستگاهش بود. «قد فعل بنا و بشیعتنا و قد رایتم و علمتم» ببینید با ما و شیعیان ما چه کرده است؟! خطبه‌ی امام (علیه السلام) در منا دو بخش دارد. بخش اول عبارت است از اقرار گرفتن از مخاطبان و بخش دوم حضرت به دعوت به قیام وارد می‌شوند. فصل اول و بخش اول در گذشته هم نمونه‌هایی دارد. مثلاً نمونه‌ای از امیرمؤمنان (علیه السلام) داریم که معروف است به حدیث مُناشده. آنجا حضرت (علیه السلام) مخاطب را دعوت می‌کند و به او می‌گوید: تو را به خدا سوگند می‌دهم آیا تو چنین چیزی را شاهد بودی؟ آن شخص می‌گوید: بله، من شهادت می‌دهم.[۲] در اینجا نیز امام حسین (علیه السلام) شروع می‌کنند به صورت فراز به فراز شهادت می‌گیرند و جالب است که این فرازهای شهادت گرفتن، همه مربوط به امیرالمؤمنین (علیه السلام) و مسئله‌ی امامت آن حضرت است. حضرت برجستگی‌های ممتاز پدر بزرگوارشان را یک‌به‌یک از زبان پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) مطرح می‌کنند و برای آنها یکی‌یکی از حاضران شاهد و گواه می‌گیرند. مثلاً یک نمونه‌اش این است: «اُنْشِدُکُمُ اللّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ اَنَّ رَسُولَ اللّهِ (صلی اللّه علیه و آله) شْتَری مَوْضِعَ مَسْجِدِهِ وَمَنازِلِهِ فَابْتَناهُ ثُمَّ ابْتَنی فیهِ عَشَرَةَ مَنازِلَ تِسْعَةً لَهُ وَجَعَلَ عاشِرَها فی وَسَطِها لِاَبی ثُمَّ سَدَّ کُلَّ بابِ شارِعٍ اِلَی الْمَسْجِدِ غَیْرَ بابِهِ؛[۳] شما را به خدا! آیا می‌دانید آنگاه که رسول خدا محل ساختمان مسجد و

خانه خویش را خریداری و در کنار مسجد، ده حجره بنا کرد، نُه باب از این حجره‌ها را به خود اختصاص داد و حجره دهمی را که در وسط آنها قرار داشت، به پدرم علی اختصاص داد، سپس دستور داد در همه‌ی حجره‌های مردم را که به مسجد باز می‌شد، ببندند، مگر در حجره علی را؟». حکایت آنجا است که پیامبر منازلی را برای خودشان فراهم می‌کنند که درهای متعددی داشته که به مسجد راه داشته و آنگاه خانه‌ی دهمی را وسط آنها قرار می‌دهند و آن را به روی مسجد باز می‌کنند. حضرت می‌فرمایند: آیا شما گواهی می‌دهید که آن خانه‌ی پدر من، امام علی (علیه السلام) بود؟[٤] از جمله شاهد می‌گیرند درباره‌ی برادری امیرالمؤمنین (علیه السلام) با پیامبر و از جمله شاهد می‌گیرند در جملاتی که پیغمبر اکرم در فتح خیبر درباره‌ی امام علی (علیه السلام) فرمودند و از جمله اینکه شهادت می‌گیرند درباره‌ی غدیر خم که این قسمت اخیر، شهادت ویژه‌ای است. حضرت می‌فرمایند: «اُنْشِدُکُمُ اللّهَ اَتَعْلَمُونَ اَنَّ رَسُولَ اللّهِ (صلّی اللّه علیه و آله) نَصَبَهُ یَوْمَ غَدیرِ خُمٍّ فَنادی لَهُ بِالْوِلایَةِ وَقالَ: لِیُبَلِّغ الشّاهِدُ الْغائِبَ؛ شما را به خدا! آیا می‌دانید که رسول خدا (صلّی اللّه علیه و آله) علی را در غدیر خم به مقام ولایت نصب کرد، سپس دستور داد که این جریان را حاضران به غایبان برسانند؟». جالب است که در برابر هر یک از اینها، این جماعت می‌گویند: «اَللّهُمَّ نَعَمْ» و

شهادت می‌دهند. اصحابی که خودشان دیده بودند، شهادت می‌دهند که خودمان دیدیم. تابعین هم می‌گویند ما از طریق صحابه‌ی قابل اطمینان شنیده‌ایم. این سلسله‌ی شهادت‌ها ادامه دارد تا به قسمت اصلی خطبه‌ی منا می‌رسد.

خدا را قسم می‌دهم به حق سیدالشهدا (علیه السلام) بهره‌ی جامعه‌ی ما و جامعه‌ی مؤمنان را از محرّم امسال، در عرفان و حماسه و حماسه‌ی عرفانی و عرفان حماسی فراوان قرار دهد.

■■■■■■

منابع و مآخذ

[۱]. آل عمران: ۹۷.

[۲]. ر.ک: ابن أبی الحدید، شرح نهج البلاغه، چاپ دار إحیاء الکتب العربیّه، ج٦، ص١٦٦ ـ ١٦٨.

[۳]. این خطبه حضرت در کتاب‌هایی چون: ارشاد شیخ مفید، اصول کافی کلینی، اثبات الوصیه مسعودی، امالی شیخ صدوق، بحارالانوار علامه مجلسی، تاریخ طبری محمدبن جریر طبری و تاریخ الخلفاء جلال‌الدین سیوطی آمده است.

[٤]. سدّ الابواب یا مسدود کردن درها، به معنای بستن دائمی درِ خانه‌هایی است که در عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به مسجد النبی باز می‌شدند. در این واقعه

که در نهم ذی حجه (روز عرفه) سال سوم هجری رخ داد، پیامبر اسلام به فرمان خدا دستور داد جز در خانه امام علی (علیه السلامَ)، درِ همه‌ی خانه‌هایی که به مسجد باز می‌شدند، مسدود گردد. این واقعه به صورت متواتر در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است و جزء فضایل امام علی (علیه السلام) به شمار می‌آید. علامه امینی در الغدیر می‌نویسد: «پیشوایان اهل سنت با اسانید صحیح و فراوان، حدیث سد الابواب را از جمعی از صحابه که تعداد آنها به حدی است که تواتر را ثابت می‌کند، نقل کرده‌اند». ر.ک: الغدیر، ج۳، ص۲۰۲.

افق‌ها

افق‌ها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

اشنبه‌ها ساعت ۱۸

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲

از شبکه قرآن و معارف سیما/برنامه یاد خدا